



ارزیابی طرح آموزش فراگیر برای کودکان استثنایی از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر تهران

علی عظیم زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

هدف از تحقیق حاضر ارزیابی طرح آموزش فراگیر برای کودکان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی، رابطین شرکت کننده در دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بوده است. در آموزش تلفیقی دانش‌آموزان استثنایی در کنار دانش‌آموزان عادی به تحصیل می‌پردازند. روش تحقیق توصیفی و از نوع زمینه‌یابی و جامعه آماری آن ۶۰ نفر معلمان ابتدایی در سه گروه (عادی، استثنایی و رابطین) بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها، ویراست دوم پرسشنامه سازمان پژوهش آموزش و پرورش استثنایی بوده است که روایی آن توسط اساتید راهنما و مشاور و متخصصان مربوط تأیید شده و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با میزان ۰/۹۶ محاسبه و تأیید گردیده است. برای تجزیه و تحلیل آماری علاوه بر آمار توصیفی از آزمون T تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن برای تجزیه و تحلیل‌ها داده استفاده شد. نتیجه اینکه اجرای طرح آموزش فراگیر از نظر رشد اجتماعی، رشد عاطفی، جایگاه و موقعیت اجتماعی، خودشناسی دانش‌آموزان استثنایی، تعامل دانش‌آموزان استثنایی با سایر دانش‌آموزان و ایجاد سازگاری بین دانش‌آموزان استثنایی و دانش‌آموزان عادی مطلوب بود، اما در امور آموزشی این طرح اثرات مطلوبی ایجاد نکرده است. ادامه اجرای طرح نیازمند اصلاح در روشها به ویژه در بخش آموزش می‌باشد.

واژگان کلیدی: دانش‌آموزان استثنایی، آموزش فراگیر، معلمان رابط، آموزش تلفیقی

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی و عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری. aliazim.1973@gmail.com

مقدمه

آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم، ۴ مولفه یادگیری برای دانستن، یادگیری برای عمل کردن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای با هم زیستن را مد نظر قرار می‌دهد (ساعی منش، ۱۳۸۸). زیرا که هدف هر نظام آموزشی این است که همه دانش‌آموزان خود را برای تبدیل شدن به شهروندانی آگاه و کارآمد و اداره جامعه در حال تغییر و گذار آماده کند.

این کار باید به گونه‌ای انجام شود که شرایط مناسب برای یادگیری و پیشرفت هر کودک، صرف نظر از ویژگیهای وی فراهم شود (جوادینیا، تقی زاده، ۱۳۸۸). در بسیاری از کشورها، آموزش و پرورش به این سمت سوق داده می‌شود که تا حد امکان دانش‌آموزان دارای مشکلات خاص در مدارس عادی مانند دیگر دانش‌آموزان بدون مشکل به تحصیل اشتغال داشته باشند، زیرا در آن صورت هم از امکانات عمومی و آموزش و پرورش عادی بهره مند می‌شوند و هم تحت تاثیر بر چسب استثنایی بودن و متفاوت بودن قرار نمی‌گیرند. این عمل که در اصطلاح فنی عادی سازی، یکپارچه سازی و آموزش فراگیر نام گرفته است، ساده نیست و بعضاً با مسایل و مشکلات خاصی توأم است (ویسمه، ۱۳۸۴).

آموزش و پرورش فراگیر بر این عقیده استوار است که مردم در جوامعی فراگیر زندگی و کار می‌کنند، به این معنی که آنها در جوامع متشکل از نژادها، مذاهب، آرمانها، آرزوها، ناتوانی‌ها و توانمندی‌های مختلف زندگی می‌کنند. بنابراین کودکان باید در محیط‌های مشابه آنچه در آینده در آنها زندگی خواهند کرد، آموزش ببینند و به بزرگسالی برسند. بر همین اساس، کودکانی که دارای کم توانی هستند نیز، نیاز به داشتن تجربه لذتبخش از زندگی در شرایطی را دارند که باعث تضمین عزت نفس، وقار و خوداتکایی شده و شرکت فعال آنها را در جامعه تسهیل کند. در آموزش فراگیر، باور اصلی آنست که تمام کودکان بدون توجه به

توانایی‌ها و ناتوانی هایشان می‌توانند یاد بگیرند (کاکو جویباری و هوسپیان، ۱۳۸۰).

آموزش فراگیر به دنبال پرداختن به نیازهای یادگیری همه کودکان، با تمرکز خاص بر کسانی است که به حاشیه رانده شده و منزوی و آسیب پذیر هستند. در هسته مرکزی آموزش فراگیر، حق اساسی «آموزش و پرورش برای همه»، قرار دارد. این امر به تمرکز بر طیف بسیار گسترده‌ای از کودکانی که در مدرسه نیستند یا احتمالاً در سیستم آموزش و پرورش به حاشیه رانده شده اند، کمک می‌کند. هدف کلی آموزش فراگیر، فراهم کردن شانس مشارکت و رفتار برابر برای همه کودکان است. هدف دگرگونی سیستم آموزش و پرورش به نحوی که بتواند آموزش با کیفیت را برای همه فراگیران فراهم نماید، در قلب آموزش فراگیر قرار دارد (فیجی، ۲۰۰۶).

آموزش فراگیر برخلاف آموزش تلفیقی که کودک را به عنوان مساله می‌بیند، الگوی اجتماعی ناتوانی را دنبال کرده و به جای کودک، سیستم را به عنوان مشکل میدانند. بنابراین، در این نوع آموزش، مدرسه و سیستم آموزشی به عنوان یک کل، باید برای برخورد و رویارویی با نیازهای تمامی افراد تغییر کنند. برای اینکه این مطلب راحت تر در ذهن جا بیفتد، باید گفت که آموزش تلفیقی در مورد «مدرسه رفتن» است و آموزش فراگیر به معنای «شرکت در مدرسه» است. اما باید توجه داشت که مساله مهم، عدم تمرکز بر مدرسه است. همچنین باید به خاطر داشت که آموزش و تعلیم و تربیت فراگیر، وسیع تر از مدرسه است. برای تضمین دسترسی برابر همه کودکان فراگیر به آموزش، باید برخی راهبردها در جامعه اجرا شوند (امیری، ۱۳۸۲).

مدارس زمانی فراگیر هستند که از طریق احترام به تفاوت ها، احترام به سبک‌های مختلف یادگیری، تنوع در روش ها، برنامه درسی انعطاف پذیر و استقبال از هر کودک با هر ویژگی، در جهت مشارکت کامل، جامعه پذیری و آموزش با کیفیت حرکت نمایند. یک شرط مهم

برای آموزش فراگیر این است که بدانیم چه تعداد کودک و به چه دلیلی، خارج از مدرسه هستند. در عین حال، فراهم کردن دسترسی مردم، تنها اولین گام در غلبه بر محرومیت است. لازم است که در دیدگاه‌ها و ارزش‌ها به منظور پذیرش تفاوت، تغییر ایجاد شود و معلمان مهارت لازم برای فراهم آوردن آموزش با کیفیت برای همه افراد با نیازهای آموزشی متفاوت را داشته باشند (فیجی، ۲۰۰۶). اما شکست در افزایش نرخ‌ها و سطوح ضعیف دسترسی به تحصیل، آن‌هم در محیط‌های آموزشی با کیفیت پایین، در بسیاری از کشورها، نشان می‌دهد که تنها ادعای دسترسی بهبود یافته، به عنوان شاهد پیشرفت در سیستم آموزش و پرورش کافی نیست (فیجی، ۲۰۰۶). شاید در نگاه و برخورد اول تصور شود که هدف از توسعه آموزش و پرورش فراگیر تنها جای دهی دانش‌آموزان دارای ناتوانی در مدارس است و تنها به کودکان دارای ناتوانی علاقمند است، درحالی که یادگیری در مدارس عادی به شکل موجود برای بسیاری از دیگر گروه‌های کودکان نیز دشوار است. آن‌ها نیز ممکن است برنامه درسی را کسالت آور و آموزش را انگیزه زدا بیابند. آموزش فراگیر در مورد کاهش تمامی موانع یادگیری در اشکال متفاوت و توسعه مدارس عادی که می‌توانند نیازهای تمامی یادگیرندگان را برآورده سازند، بحث می‌کند. بنابراین، آموزش فراگیر با گستره وسیع تری سعی دارد به تمامی دانش‌آموزان با هر میزان توانایی توجه کند (شاطرلو، ۱۳۸۸). آموزش فراگیر نه تنها برای کودکان استثنایی، بلکه برای کودکان سالم، خانواده‌های ایشان، آموزگاران و جوامع سودمند است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموزان معمولاً از نظر اجتماعی و تحصیلی در محیط‌های فراگیر عملکرد بهتری دارند.

آموزش فراگیر از راه‌های گوناگون به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه سود می‌رساند. محیط فراگیر باعث ایجاد دوستی‌های خارج از حلقه دوستان کودک ناتوان می‌شود و کودک معلول می‌تواند از همسالانی با رشد

طبیعی آموزش ببیند. آموزش فراگیر به آنها نشان می‌دهد که در کلاس، هر فردی با دیگران متفاوت اما برابر است و از این طریق عزت نفس آنها را بالا می‌برد. آموزش فراگیر باعث رشد احساس قدرت در کودکان سالم نیز می‌شود، زیرا آنها توانایی کمک به فرد دیگری را پیدا می‌کنند و همچنین به لحاظ تحصیلی از آموزش دادن به هم‌متان خود سود می‌برند، چرا که اطلاعات را مبادله کرده و به یکدیگر آموزش می‌دهند. فرصت دادن به کودکان برای شناخت دانش‌آموزان استثنایی، به آنها کمک می‌کند تا نسبت به محدودیت‌های دیگران حساس شوند و خود را به جای کودکان دیگر بگذارند. بنابراین، به دلیل چالش‌هایی که تجربه می‌کنند، حسی از احترام پدید می‌آید. آموزش فراگیر، مهارت کار گروهی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد و به دلیل این که درک بهتر و تحلیل بیشتری نسبت به تفاوت‌ها ایجاد می‌شود، عملکرد اجتماعی را بهبود می‌بخشد. محیط فراگیر می‌تواند برای دانش‌آموزان عادی فرصتی را فراهم کند تا نوع کوچکتری از جامعه فراگیر آینده را تجربه کنند. وقتی به کودکان معلول جامعه اجازه داده می‌شود تا در کلاس‌های همگانی حضور یابند، احساس نادیده گرفته شدن از سوی جامعه، در والدین آنها کاسته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۵). در مقابل و با وجود حضور کودکان دچار نارسایی در اجتماع، بیشتر اوقات به نیازها و توانایی‌های آنها توجه نمی‌شود. شاید دلیل عمده این امر عدم شناخت کافی و مناسب افراد جامعه از ویژگی‌های این گروه است. معمولاً نیازهای کودکان دارای نارسایی، مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد و تصور می‌شود که آنها چیزی برای ارابه به جامعه ندارند. نادیده گرفتن فرصت‌های این کودکان برای یادگیری، سبب کاهش رشد آنها و همچنین باعث تشدید محرومیت آنها می‌شود (ساعی منش، ۱۳۸۲). با وجود تلاش‌ها و کوشش‌های انجام شده هنوز بخش زیادی از این گروه کودکان در یک قالب جدا شده و به دور از کودکان عادی مشغول تحصیل هستند، به ویژه کودکان با

ناتوانایی‌های هوشی که گروه بزرگی از کودکان را تشکیل می‌دهند. شکل این است که هنوز در مقابل فراگیرسازی بسیاری از کودکان، به ویژه کودکان کم توان ذهنی، مقاومت زیادی وجود دارد. در ایران، طرح آموزش فراگیر از آغاز سال تحصیلی ۸۷ به صورت آزمایشی در ۷ استان کشور شامل استان‌های خوزستان، تهران (شهر تهران)، فارس، کردستان، مازندران، هرمزگان و همدان به اجرا درآمده است و در هر یک از این استان‌ها، چهار دبستان آموزشی دو واحد دخترانه و پسرانه در یکی از مناطق کم جمعیت روستایی و دو دبستان دخترانه و پسرانه در یکی از مناطق شهری فراگیرسازی شدند (ضیایی، ۱۳۸۸).

مطالعات فراوانی همگام با اجرای آموزش فراگیر انجام شده و امکانات و هزینه بسیاری در خدمت اجرای این طرح آموزشی قرار گرفته است. با توجه به تاکید جامعه جهانی به یکپارچه سازی آموزشی، به نظر می‌رسد در صورت عدم موفقیت این طرح آموزشی و عدم اجرای دقیق آن، لطمات آموزشی، فرهنگی، عاطفی و اجتماعی شدید و غیرقابل جبرانی به کودکان با نیازهای ویژه، خانواده‌های ایشان و حتی کلیه افراد جامعه وارد شود. جداسازی کودکان در سنین مدرسه به هر دلیل به معنای جداسازی افراد مختلف در یک جامعه است که معمولاً ناهماهنگی‌ها و بی‌عدالتی‌های فراوانی را در پی خواهد داشت (ضیایی، ۱۳۸۶).

معلمان پذیرا دیدگاه مثبت تری نسبت به آموزش فراگیر در مقایسه با معلمان عادی دارند. از نظر معلمان، آموزش روش‌های تدریس ویژه، مهم ترین نیاز آموزشی معلمان پذیرا است (ملیلی، سلیمی، ۱۳۸۸). برگزاری دوره آموزشی حین خدمت فراگیر می‌تواند نگرش کلی و نگرش در حیطه‌های باور به فلسفه فراگیرسازی، احساس شایستگی خود، تامین پشتیبانی‌های لازم، روابط دانش‌آموزان عادی و آسیب دیده شنوایی و نتایج حاصل از فراگیرسازی آموزگاران پذیرای دانش‌آموزان آسیب دیده شنوایی را نسبت به

فراگیرسازی مدارس برای این دانش‌آموزان مثبت تر کند، اما در حیطه نگرش به جو یادگیری در کلاس و مدرسه فراگیر، تغییری ایجاد نمی‌کند (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۸). نتایج بررسی کیفی روابط بین دانش‌آموزان عادی و همسالان دارای ناتوانی، در مدارس شیراز توسط ساعی منش نشان داد که بیشتر دانش‌آموزان عادی تفاوت‌های موجود در همسالان خود را می‌پذیرند و روابط دوستان‌های توأم با حمایت بین آنها وجود دارد و رفتارهای آزاردهنده به حدی نبود که مانع حضور دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی شود. هر دو گروه معتقد بودند نباید در مدارس اقدام به جداسازی و گروه بندی دانش‌آموزان نمود (ساعی منش، ۱۳۸۲).

کائینی مقدم نیز با مطالعه وضعیت اجرای آموزش فراگیر در استان گیلان گزارش می‌کند که این طرح در افزایش تعامل بین دانش‌آموزان استثنایی و عادی موفق است و زمینه آماده سازی دانش‌آموزان استثنایی برای زندگی در جامعه عادی مساعدتر می‌شود. با اجرای آموزش فراگیر، شرایط تحصیلی برای دانش‌آموزان استثنایی و عادی بهبود می‌یابد (کائینی مقدم، ۱۳۸۷). دانش‌آموزانی که در مدارس شامل طرح آموزش فراگیر مشغول تحصیل هستند دارای مشکلات اجتماعی کمتری هستند و در تعاملات خود با سایر دانش‌آموزان عادی و همسالان، موفقیت بیشتری دارند (دیزادروویچ^۲، ۲۰۱۰). معلمان آموزش دیده نگرش مثبت تری نسبت به آموزش فراگیر دارند، اما بین معلمان باتجربه و معلمان کم تجربه تفاوتی مشاهده نمی‌شود (چوپرا^۳، ۲۰۰۸). همچنین، براساس پژوهش سابان و شارما، اجرای دوره‌های آموزشی در زمینه آموزش ویژه برای معلمان عادی سبب مثبت تر شدن نگرش آنان نسبت به آموزش فراگیر می‌شود (ایشوار^۴، ۲۰۰۷). احترام گذاشتن به افرادی با نیازهای ویژه، به خصوص از سنین پایین، امری بسیار مهم در تمام مراحل نظام آموزشی است. در واقع آموزش فراگیر،

بحثی مرتبط با حقوق افراد است. لذا پرداختن به این موضوع و ارزیابی و تاثیرگذاری آن، می‌تواند علاوه بر شناسایی نقاط ضعف و قوت این طرح در راستای برنامه ریزی مناسب برای بهبود اجرا، به فرهنگ سازی و رفع موانع اجرایی آن در جامعه نیز کمک نماید.

موفقیت برنامه‌های یکپارچه سازی و رضایت معلمان عادی در پذیرش دانش‌آموزان استثنایی در کلاس‌هایشان، بر سازگاری اجتماعی و عاطفی و همچنین پیشرفت تحصیلی اینگونه دانش‌آموزان مؤثر است. این محقق در تحقیق خود چنین نتیجه‌گیری کرده است که چنانچه معلمان در تماس با اینگونه کودکان آنها را درک کرده و بپذیرند، برنامه‌های یکپارچه‌سازی می‌تواند با موفقیت کامل به انجام برسد (شفیعی، ۱۳۹۳).

اجرای راهبردهای نهضت عادی‌سازی و برنامه‌های یکپارچه‌سازی فقط به محیط‌های آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه در سال‌های گذشته مسئولان و برنامه‌ریزان گمان می‌کردند برنامه‌های آموزش تلفیقی صرفاً با جایابی و قرارداد یک یا دو نفر دانش‌آموز با نیازهای ویژه در کلاسهای عادی، خاتمه می‌یابد و هدف‌های آموزش تلفیقی محقق می‌شود. در صورتی که امروزه اجرای برنامه‌های یکپارچه‌سازی آموزشی تنها به یکپارچه‌سازی مکانی و فیزیکی ختم نمی‌شود و اجرای برنامه‌های یکپارچه‌سازی اجتماعی و داشتن تعامل‌های اجتماعی واقعی، غنی‌سازی محیط‌های آموزشی و یکپارچه‌سازی کارکردی نیز ضرورت دارد.

در واقع آموزش فراگیر آموزش فراگیر عبارت است از تلفیق کامل دانش‌آموزان با توانی‌های گوناگون در همه جنبه‌های تحصیلی که دیگر دانش‌آموزان قادر به دسترسی و لذت بردن هستند. آموزش فراگیر شامل تمامی مدارس و کلاس‌های درس عادی شامل شود که به طور واقعی به منظور برآوردن نیازهای همه دانش‌آموزان تغییر پیدا کرده و انطباق می‌یابد، تفاوت‌ها

را مقدس شمرده و ارزش‌گذاری می‌کند. در این رویکرد دانش‌آموزان با توانایی‌های گوناگون در صورت نیاز، کمک‌های تخصصی یا آموزش ویژه بیرون از کلاس درس را فقط به عنوان یکی از راه‌های متعدد در دسترس و مورد نیاز دریافت می‌کنند (به پژوه و خانزاده، ۱۳۹۱)

در برنامه پنجساله چهارم (۸۴-۸۸) سند ملی توسعه آموزش و پرورش، توسعه آموزشهای تلفیقی و فراگیر برای دانش‌آموزان استثنایی به عنوان راهکاری برای دستیابی به توسعه آموزش و پرورش تصریح شده است و سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی نسبت به اجرایی نمودن راهکار مذکور، تلاش کرد. این تلاش منجر به صدور مصوبه‌ای تحت عنوان «آیین نامه آموزش و پرورش تلفیقی- فراگیر ویژه دانش‌آموزان استثنایی» در هفتصد و سی و چهارمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش گردید.

به استناد ماده ۶ مصوبه مذکور عملیاتی کردن رویکرد آموزش فراگیر در کشورمان به صورت آزمایشی در ۲۸ واحد آموزشی از ۷ استان کشور (هر استان ۴ واحد آموزشی) از سال تحصیلی ۸۶-۸۷ آغاز شد که شامل استان‌های خوزستان، فارس، کردستان، مازندران، هرمزگان، همدان و شهر تهران می‌گردید. در پژوهش حاضر این سؤال اساسی مطرح است که طرح آموزش فراگیر برای کودکان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و فراگیر دوره ابتدایی شهر تهران مطلوب می‌باشد؟

این پژوهش به ارزیابی طرح آموزش فراگیر (سه ساله) برای دانش‌آموزان استثنایی (ناشنوا، معلولین جسمی و حرکتی و اوتیسم) از دیدگاه معلمان ابتدایی تهران با اهداف فرعی رشد اجتماعی، امور آموزشی، تعامل، رشد عاطفی، جایگاه و موقعیت اجتماعی و خودشناسی دانش‌آموزان استثنایی و نوع رفتار دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزان استثنایی و همچنین

۷) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در خودشناسی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟

۸) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در ایجاد سازگاری بین دانش‌آموزان استثنایی و دانش‌آموزان عادی مطلوب می‌باشد؟
روشها

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع زمینه یابی است. این مطالعه در پاییز سال ۱۳۹۵ در جامعه آماری معلمان دوره ابتدایی شرکت کننده در طرح آموزش فراگیر مدارس ابتدایی شهر تهران انجام شد و به علت محدود بودن تعداد افراد جامعه (۶۰ نفر)، همه افراد به روش سرشماری به مطالعه وارد شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه سازمان پژوهش آموزش و پرورش استثنایی (ویراست دوم) بود، که در سال ۱۳۸۸ برای سنجش و ارزیابی اجرای طرح آموزش فراگیر در آموزش و پرورش استثنایی ایران مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه اولیه شامل ۴۳ سؤال بود که پژوهشگر با توجه به اهداف پژوهش، آن را مورد بررسی قرار داده و در نهایت، ۱۲ سؤال آن را حذف کرد. پرسشنامه مورد استفاده دارای ۲ بخش مشخصات جمعیت شناختی و سنجش نگرش معلمان در ابعاد رشد اجتماعی، امور آموزشی، تعامل، رشد عاطفی، نوع رفتار، موقعیت اجتماعی، خودشناسی دانش‌آموزان استثنایی و ایجاد سازگاری بین دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان استثنایی بود. این بخش دارای ۳۱ سؤال بسته پاسخ در طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد. در برخی سئوال‌ها (با توجه به ماهیت مثبت یا منفی آنها) امتیازدهی به صورت معکوس انجام شده است. از آنجا که پرسشنامه اولیه براساس پژوهشهای گسترده آموزش و پرورش و همچنین همکاری تعداد زیادی از متخصصان امر آموزش تهیه و تدوین شده بود، از روایی

ایجاد سازگاری بین دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان استثنایی می‌پردازد.

سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق:

اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران مطلوب می‌باشد؟

سوالات فرعی:

۱) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در رشد اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟

۲) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در امور آموزشی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟

۳) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در تعامل دانش‌آموزان استثنایی با سایر دانش‌آموزان مطلوب می‌باشد؟

۴) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در رشد عاطفی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟

۵) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در نوع رفتار دانش‌آموزان عادی مطلوب می‌باشد؟

۶) اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران در جایگاه و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟

جدول ۱: بررسی سوال اول با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۹۵	۰/۸۵	۶۰	۸/۶۹	۵۹	۰/۰۴۲	۰/۰۵

صوری و محتوایی مناسبی برخوردار بود و روایی پرسشنامه ویرایش شده نیز توسط متخصصان موضوعی مجدداً بررسی و تایید شد. برای تعیین پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب آن برابر به ۰/۹۶ دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مطالعه از نرم افزار SPSS و روشهای آمار توصیفی شامل میانگین، درصد، فراوانی و انحراف معیار و آمار استنباطی T تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شد.

آمار استنباطی

بررسی سوال ۱: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران از نظر رشد اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟» در بررسی جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با ۳/۹۵ و ۰/۸۵ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می‌باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ مقدار احتمال بدست آمده (۰/۵۲۴) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر از نظر امور آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مطلوب نبوده است.

بررسی سوال ۳: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران از نظر تعامل دانش‌آموزان استثنایی با سایر دانش‌آموزان مطلوب می‌باشد؟»

جدول ۲: بررسی سوال دوم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۰۶	۰/۷۵	۶۰	۰/۶۴	۵۹	۰/۵۲۴	۰/۰۵

جدول ۳: بررسی سوال سوم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۴/۱۰	۰/۵۳	۶۰	۱۶/۱۴	۵۹	۰/۰۳۱	۰/۰۵

و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران از نظر نوع رفتار دانش‌آموزان عادی مطلوب می‌باشد؟

در بررسی جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با $3/86$ و $0/56$ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می‌باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای $0/05$ مقدار احتمال بدست آمده ($0/015$) کمتر از $0/05$ می‌باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر از نظر نوع رفتار دانش‌آموزان عادی مطلوب بوده است.

بررسی سوال ۶: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران از نظر جایگاه و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟»

در بررسی جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با $3/86$ و $0/61$ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می‌باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای $0/05$ مقدار احتمال بدست آمده ($0/027$) کمتر از $0/05$ می‌باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر از نظر جایگاه موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مطلوب بوده است.

در بررسی جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با $4/10$ و $0/53$ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می‌باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای $0/05$ مقدار احتمال بدست آمده ($0/031$) کمتر از $0/05$ می‌باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر از نظر تعامل دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با سایر دانش‌آموزان مطلوب بوده است.

بررسی سوال ۴: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران از نظر رشد عاطفی دانش‌آموزان استثنایی مطلوب می‌باشد؟»

در بررسی جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با $3/68$ و $0/78$ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می‌باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای $0/05$ مقدار احتمال بدست آمده ($0/029$) کمتر از $0/05$ می‌باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر در رشد عاطفی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مطلوب بوده است.

بررسی سوال ۵: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی

جدول ۴: بررسی سوال چهارم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۶۸	۰/۷۸	۶۰	۶/۷۶	۵۹	۰/۰۲۹	۰/۰۵

جدول ۵: بررسی سوال پنجم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۸۶	۰/۵۶	۶۰	۱۱/۹۳	۵۹	۰/۰۱۵	۰/۰۵

جدول ۶: بررسی سوال ششم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۸۶	۰/۶۱	۶۰	۱۰/۹۶	۵۹	۰/۰۲۷	۰/۰۵

جدول ۷: بررسی سوال هفتم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۸۴	۰/۸۴	۶۰	۷/۸۳	۵۹	۰/۰۲۵	۰/۰۵

در بررسی جدول شماره ۸ ملاحظه می شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با ۳/۰۵ و ۰/۷۴ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۱۹) کمتر از ۰/۰۵ می باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر در ایجاد سازگاری بین دانش آموزان استثنایی و دانش آموزان عادی موثر بوده است.

بررسی سوال اصلی تحقیق: اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره ابتدایی تهران مطلوب می باشد؟

در بررسی جدول شماره ۹ ملاحظه می شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با ۳/۷۳ و ۰/۵۶۵ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می دهد که

بررسی سوال ۷: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره ابتدایی تهران از نظر خودشناسی دانش آموزان استثنایی مطلوب می باشد؟»

در بررسی جدول شماره ۷ ملاحظه می شود مقدار میانگین و انحراف معیار به ترتیب برابر با ۳/۸۴ و ۰/۸۴ بدست آمده است. که در مقایسه با مقدار ملاک، بزرگتر می باشد. بررسی نتیجه آزمون t نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۲۵) کمتر از ۰/۰۵ می باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر از نظر خود شناسی دانش آموزان با نیازهای ویژه مطلوب بوده است.

بررسی سوال ۸: «اجرای طرح آموزش فراگیر برای دانش آموزان استثنایی از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره ابتدایی تهران از نظر ایجاد سازگاری بین دانش آموزان استثنایی و دانش آموزان عادی مطلوب می باشد؟»

جدول ۸: بررسی سوال هشتم با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۰۵	۰/۷۴	۶۰	۷/۵۳	۵۹	۰/۰۱۹	۰/۰۵

جدول ۹: بررسی سوال اصلی تحقیق با استفاده از آزمون t تک نمونه ای

ملاک آزمون = ۳						
میانگین	انحراف معیار	تعداد	آماره t	درجه آزادی	مقدار احتمال	سطح آزمون
۳/۷۳	۰/۵۶۵	۶۰	۱۰/۰۳۹	۵۹	۰/۰۳۸	۰/۰۵

بر اساس نتایج آزمون فریدمن ($\chi^2 = 165/680$) میزان مطلوبیت ابعاد هشت گانه طرح آموزش فراگیر یکسان نبود. ابعاد تعامل دانش‌آموزان استثنایی و امور آموزشی دانش‌آموزان استثنایی به ترتیب اولین و آخرین اولویت در موفقیت اجرای آموزش فراگیر از نظر معلمان بودند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: اولویت بندی ابعاد هشت گانه طرح

آموزش فراگیر بر اساس رتبه میانگین

ابعاد	میانگین
تعامل با سایر دانش‌آموزان	۴/۱۰
ایجاد سازگاری	۳/۹۵
رشد اجتماعی	۳/۹۵
نوع رفتار	۳/۸۶
جایگاه موقعیت آموزشی	۳/۸۶
خودشناسی	۳/۸۴
رشد عاطفی	۳/۶۸
امور آموزشی	۳/۰۶

بحث و نتیجه گیری

اداره امور مدرسه با حضور دانش‌آموزان استثنایی دچار مشکل نمی‌شود و حتی با وجود بروز برخی رفتارهای نامطلوب از سوی برخی دانش‌آموزان با استثنایی، لازم است که آنان همچنان در مدارس عادی به تحصیل بپردازند و به مرور خود را با مقررات محیطی که در آن آموزش می‌بینند وفق دهند و با شرایط موجود سازگار شوند. حضور دانش‌آموزان با استثنایی نه تنها باعث منزوی شدن و سرخوردگی این دانش‌آموزان نمی‌شود، بلکه تحصیل آنان در کنار دانش‌آموزان مدارس عادی برای سازگاری اجتماعی آنان سودمند بوده و آنان را برای حضور، فعالیت و زندگی در جامعه آینده آماده می‌نماید. این یافته نشان دهنده این است که طرح آموزش فراگیر به این هدف نزدیک شده و مطلوب بوده است و یکپارچه سازی آموزشی و تلفیق

در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۳۸) کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد یعنی اجرای طرح آموزش فراگیر از دیدگاه معلمان عادی، استثنایی و رابط شرکت کننده دوره‌ی ابتدایی تهران موثر بوده است.

یافته‌ها

۲۶ نفر (۴۳/۳٪) از معلمان در مدارس استثنایی و ۲۸ نفر (۴۶/۶٪) در مدارس عادی مشغول به خدمت بودند. ۶ نفر دیگر (۱۰/۱٪) معلمان رابط بودند. با توجه به جدول مشخص می‌شود که بیشترین میانگین در ابعاد هشتگانه آموزش فراگیر مربوط به تعامل دانش‌آموزان ویژه (۴/۱۰ ± ۰/۵۳) و کمترین میانگین مربوط به امور آموزشی دانش‌آموزان ویژه (۳/۰۶ ± ۰/۶۴) بود. با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، داده‌ها نرمال بودند. طرح آموزش فراگیر در شاخص‌های رشد اجتماعی، رشد عاطفی، جایگاه و موقعیت اجتماعی، خودشناسی، تعامل با سایر دانش‌آموزان و نوع رفتار دانش‌آموزان عادی و ایجاد سازگاری بین دانش‌آموزان عادی و استثنایی با مطلوبیت همراه بود. طرح آموزش فراگیر در امور آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مطلوب نبود. (جدول شماره ۱۰)

جدول ۱۰: مطلوبیت اجرای طرح آموزش فراگیر در شاخص‌های مورد بررسی با استفاده از آزمون T تک نمونه ای

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	t	معنی داری
رشد اجتماعی	۳/۹۵	۰/۸۵	۸/۶۹	۰/۰۰۰۱
امور آموزشی	۳/۰۶	۰/۷۵	۰/۶۴	۰/۵۲۴
تعامل با سایر دانش‌آموزان	۴/۱۰	۰/۵۳	۱۶/۱۴	۰/۰۰۰۱
رشد عاطفی	۳/۶۸	۰/۷۸	۶/۷۶	۰/۰۰۰۱
نوع رفتار	۳/۸۶	۰/۵۶	۱۱/۹۴	۰/۰۰۰۱
جایگاه موقعیت آموزشی	۳/۸۶	۰/۶۱	۱۰/۹۶	۰/۰۰۰۱
خودشناسی	۳/۸۴	۰/۸۴	۷/۸۳	۰/۰۰۰۱
ایجاد سازگاری	۳/۹۵	۰/۷۴	۷/۵۳	۰/۰۰۰۱

دانش‌آموزان با استثنایی با دانش‌آموزان عادی را تایید می‌کند.

یافته‌های این موضوع با یافته‌های عاشوری و جلیل آبکنار که در پژوهشی با عنوان از عادی سازی تا آموزش فراگیر، تحولی در نظام آموزش به این نتیجه رسیدند که با اجرای طرح آموزش و پرورش فراگیر مسائل و مشکلات بسیاری که ناشی از نا مناسب بودن و عدم تطابق محیط و منابع درسی عادی با نیازها و محدودیت‌های دانش‌آموزان استثنایی است، آشکار گردیده است. با مشاهده و بررسی طی چند سال سال تجربه در آموزش و پرورش فراگیر به نظر می‌رسد انطباق و متناسب سازی منابع یک مدرسه شامل منابع انسانی، علمی، تجهیزاتی، فضایی و تفریحی با نیازها و محدودیت‌های دانش‌آموزان استثنایی به عنوان پیشنهاد گریز نا پذیر اجرای طرح آموزش و پرورش فراگیر ضرورت دارد (عاشوری و جلیل آبکنار).

بنابراین بهتر است دانش‌آموزان با استثنایی در کنار دانش‌آموزان عادی زندگی اجتماعی و تحصیل را تجربه کنند تا در بزرگسالی بتوانند در کنار یکدیگر زندگی و فعالیت اجتماعی موفق داشته باشند. یافته‌های پژوهش گر در ارتباط با این موضوع با نتایج پژوهش کائینی مقدم در استان گیلان همخوانی دارد (کائینی مقدم، ۱۳۸۷) نیازهای آموزشی دانش‌آموزان استثنایی در مدارس استثنایی بهتر برآورده می‌شود، به عبارتی، مدارس عادی نتوانسته اند حمایت‌های لازم و مکفی آموزشی را از این دانش‌آموزان داشته باشند. آموزش در مدارس عادی کارآمدی لازم را ندارد چون دانش‌آموزان استثنایی به سختی با برنامه‌های آموزشی کلاسهای عادی سازگار می‌شوند معلمان و کارکنان مدرسه و مسئولان ذیربط باید توجه ویژه‌ای به این بخش داشته باشند، در تایید این یافته می‌توان به نتایج (ایشوار، ۲۰۰۷). پژوهش علیزاده و کویینی اشاره کرد (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۸) حضور دانش‌آموزان استثنایی به بهبود روابط و تعاملات اجتماعی آنان کمک کرده و حتی این

ارتباط برای تقویت تعاملات آنان ضروری به نظر می‌رسد. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش علیزاده، کابینی مقدم و دیزاروویچ همخوانی دارد. فرصت برای شرکت دانش‌آموزان استثنایی در مسابقات و فعالیت‌های فرهنگی - هنری و ورزشی باعث بهبود این تعاملات می‌شود. برخلاف نظر برخی که معتقدند حضور دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی باعث انزوا و بی توجهی به ایشان می‌شود، تحصیل این دانش‌آموزان در مدارس عادی باعث پیدایش فرصت‌های بیشتر برای تماس اجتماعی بین دو گروه عادی و استثنایی شده و در بهبود روابط اجتماعی آنان موثر بوده و انگیزه آنان را برای حضور فعال در اجتماع تقویت می‌نماید. بنابراین، یکپارچه سازی آموزشی و تلفیق دانش‌آموزان استثنایی با دانش‌آموزان عادی می‌تواند یکی دیگر از اهداف طرح آموزش فراگیر را جامه عمل پوشاند. سلیمی و مللی نیز در تحقیقات خود به روابط دوستانه و حمایت آمیز دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزان استثنایی اشاره کرده و معتقدند که نباید جداسازی صورت گیرد (مللی و سلیمی، ۱۳۸۸).

تحصیل دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی منجر به ایجاد و افزایش انگیزه تحصیلی و بالارفتن اعتماد به نفس شده و سبب می‌شود که آنان این فرصت را داشته باشند تا بتوانند احساسات خود را بهتر و راحت تر بیان کنند، احساس حقارت و طردشدگی به میزان زیادی در آنان کاهش یافته و روح و شور زندگی در آنان افزایش می‌یابد. دیزاروویچ در پژوهش خود معتقد است که در تمامی کشورهای جهان، افرادی که دارای معلولیت هستند در حاشیه جامعه قرار می‌گیرند و همان گونه که تجربه‌های بسیاری از کشورها تایید می‌کند، آنها به طور فزاینده‌ای از جامعه حذف می‌شوند (دیزاروویچ، ۲۰۱۰).

حضور دانش‌آموزان استثنایی علاوه بر سودمندی برای خودشان، بر عواطف و رفتارهای دانش‌آموزان عادی نیز تاثیر مثبتی می‌گذارد و باعث افزایش انگیزه

تحصیلی در دانش‌آموزان عادی شده و حتی همکاری و کمک به دیگران را در آنان تقویت می‌نماید. حضور دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی باعث می‌شود که دانش‌آموزان عادی در کنار آنان یاد بگیرند که چگونه باید از راهبردهای موثرتری برای حل مشکلات خود استفاده کنند. حس نوع دوستی در دانش‌آموزان عادی افزایش می‌یابد و یاد می‌گیرند که چگونه در کنار این افراد در جامعه زندگی کنند و چگونه می‌توانند ضمن شاکر بودن برای نعمت سلامتی، راهنما و کمک موثری برای افراد ناتوان باشند. بنابراین، وحدت و یکپارچه سازی آموزشی می‌تواند علاوه بر دانش‌آموزان استثنایی، تاثیر بسزایی در نوع و بروز رفتار در دانش‌آموزان عادی نیز داشته باشد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش کائینی مقدم هم راستا است (کائینی مقدم، ۱۳۸۶).

برخلاف تصور اشتباه برخی که در مورد حضور دانش‌آموزان استثنایی در مدارس استثنایی وجود دارد و تاکید بر جداسازی دانش‌آموزان استثنایی از دانش‌آموزان عادی دارند، حضور دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی باعث تقویت جایگاه اجتماعی آنان شده و سبب از بین رفتن برچسب استثنایی آنان در موقعیت‌های اجتماعی می‌شود. همچنین دانش‌آموزان عادی نیز یاد می‌گیرند که باید این گروه از افراد جامعه را در کنار خود پذیرفته و با قرار دادن خودشان در جای آنان، مسایل و مشکلاتشان را بهتر درک کنند که در نتیجه حس همکاری در دانش‌آموزان عادی تقویت می‌شود. تحصیل دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی باعث پیدایش فرصت‌های بیشتری برای تماس اجتماعی معلمان با دانش‌آموزان استثنایی شده و نقش بسزایی در پیشرفت آنان دارد. بنابراین، یکی دیگر از اهدافی که طرح فراگیر دنبال می‌کند نیز محقق شده و یکپارچه سازی آموزشی را تایید می‌کند. تحصیل دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی باعث می‌شود که آنان به توانایی‌های نهفته خود پی ببرند و مشکلات

خود را راحت تر بپذیرند و برای رفع آن تلاش کنند و از توانایی‌های خود برای حل و فصل مشکلات و مسایل موجود بیشتر استفاده کنند. حضور در مدارس عادی باعث افزایش استقلال و کاهش وابستگی و حس ناتوانی در دانش‌آموزان استثنایی شده و خودشناسی آنان را تقویت می‌نماید که این یافته با نتایج پژوهش علیزاده مطابقت دارد (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۶).

با اجرای طرح آموزش و پرورش فراگیر مسائل و مشکلات بسیاری که ناشی از نا مناسبت بودن و عدم تطابق محیط و منابع مدرسه عادی با نیازها و محدودیت‌های دانش‌آموزان استثنایی، آشکار گردیده است. با مشاهده و بررسی طی چند سال تجربه در آموزش و پرورش فراگیر به نظر می‌رسد انطباق و متناسب سازی منابع یک مدرسه شامل منابع انسانی، علمی، تجهیزاتی، فضایی و تفریحی با نیازها و محدودیت‌های دانش‌آموزان استثنایی به عنوان پیشنیاز گریز نا پذیر اجرای طرح آموزش و پرورش فراگیر ضرورت دارد (عاشوری و جلیل آبکنار).

در راستای توسعه طرح آموزش فراگیر باید با ارتقای مهارت تدریس معلمان، از آمادگی ایشان در برخورد با طیف گسترده‌ای از دانش‌آموزان و افزایش بهره‌وری آموزشی اطمینان حاصل کرد. این امر می‌تواند از طریق گنجاندن واحدهای درسی مناسب طی دوره‌های تربیت معلم و همچنین از طریق دوره‌های ضمن خدمت صورت پذیرد. افزایش آگاهی عمومی در تمامی سطوح جامعه و همکاری با همه دست‌اندرکاران برای ترویج آموزش فراگیر، از بین بردن موانع فرهنگی-اجتماعی حضور کودکان با نیازهای ویژه در مهدکودک‌ها، مدارس و در نهایت دانشگاه‌ها از طریق مشارکت خانواده‌های کودکان عادی و کودکان با نیازهای ویژه در امر آموزش فراگیر و فراهم آوردن تجهیزات لازم برای حضور دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس عادی، از دیگر راه‌کارهای موثر در اجرای موفق طرح آموزش فراگیر است.

محدودیت‌ها

الف) محدودیت‌های در قلمرو تحقیق:

- قلمرو مکانی: محدوده مکانی این تحقیق استان تهران است.
- قلمرو زمانی: این بررسی در سال ۱۳۹۵ انجام گرفته است.
- قلمرو ابزاری: در این تحقیق برای بررسی سوالات تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است.
- قلمرو جامعه: جامعه ی مورد نظر، معلمین دوره ی ابتدایی و استثنایی و رابط شرکت کننده در طرح آموزش فراگیر بوده اند.
- قلمرو موضوعی: که ارزیابی طرح آموزش فراگیر بوده است.
- ب) محدودیت‌های اجرایی:
- احتمال دخیل شدن تمایلات درونی آزمودنی‌ها در امر پاسخگویی
- وجود قوانین دست و پاگیر اداری
- ضعف فرهنگ پیشی و پژوهشی در تکمیل پرسشنامه

نتیجه گیری

اجرای آموزش فراگیر در رشد ابعاد مختلف آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مفید است. بنابراین، یکپارچه سازی آموزشی و تلفیق دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با دانش‌آموزان عادی امری ضروری و در راستای عدالت اجتماعی است. زیرا دانش‌آموزانی که امروز با هم می‌آموزند، یاد می‌گیرند که فردا در کنار هم زندگی کنند.

منابع و ماخذ

ساعی منش صمد. فلسفه و اصل آموزش فراگیر. تعلیم و تربیت استثنایی بهمین و اسفند ۱۳۸۸؛ ۹۷، ۹۸
جوادیانیا، تقی زاده آموزش جامع گام به گام به سمت فرصت‌های تحصیلی برابر است. ۲۰۰۹؛ ۹۷: ۸۱-۵.

ویسمه، علی اکبر. ارتباط برخی از عوامل با نگرش معلمان نسبت به آموزش دانش‌آموزان دیرآموز در مدارس تلفیقی. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۴ / ۴۵۱-۴۶۴

ابراهیمی، امیر عباس. توجه به آموزش فراگیر در آمریکا. ۲۰۰۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی؛ ۲۰۰۹؛ ۹۷: ۷۶-۱۱۸

کاکوجویاری، علی اصغر، هوسپیان آلیس، الزام آموزشی فلسفی آموزش جامع. تهران: موسسه پژوهشی انتشارات کودکان استثنایی؛ ۲۰۰۱.

کنفرانس فیجی. ترویج آموزش فراگیر برای دستیابی به کیفیت آموزشی برای همه برنامه‌های آموزشی پایه آموزش و پرورش. فرانسه؛ کارگاه آموزشی اقیانوس آرام در سال ۲۰۰۶.

فرهد امیری توانبخشی مبتنی بر آموزش و پرورش جامعه و مشوق کودکان استثنایی (پژوهش در حیطه کودکان استثنایی) تابستان ۱۳۸۲ دوره ۳ شماره ۲ (پیاپی ۸) از صفحه ۱۴۳ تا صفحه ۱۶۰

شاطرلو، عالیه. مزیت‌های ارزشیابی توصیفی در آموزش فراگیر. تعلیم و تربیت اسلامی. سال ۱۳۸۸. شماره ۸۹۷. از صفحه ۶۰ الی ۶۷

ابراهیمی، امیر عباس. آموزش فراگیر: ویژگی‌ها و مزیت‌ها ۲۰۰۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی؛ ۸۵: ۸۷-۹۱.

ساعی منش صمد. آموزش فراگیر چیست؟ تعلیم و تربیت اسلامی. سال ۱۳۸۲. شماره ۱۸ و ۱۹. از صفحه ۱ الی ۳

ملیلی م، سلیمی فاطمه، مروری بر مباحث معلمان منظم و پذیرفته شده در مورد آموزش فراگیر برای دانشجویان با نیازهای ویژه. به غیر از تحصیل ۲۰۰۹؛ ۹۷: ۳۵-۹.

هادی علیزاده، سعیدی علی، حسین زاده. اثربخشی آموزش خدمات آموزشی بر نگرش معلمان مدارس عادی نسبت به تحصیلات مطلوب دانش‌آموزان کم‌شنا. جدا شده کودک ۲۰۰۹؛ ۹ (۲): ۱۲۱-۳۳.

کابینی مقدم، سلیمان (۱۳۸۶). بررسی وضعیت اجرای طرح آموزش فراگیر در استان گلستان. علوم تربیتی، تعلیم و تربیت اسلامی، شماره بهمن و اسفند. ۲۰۰۷: ۶۲-۶۳: ۶۱-۶۲.

Fiji N. Promoting inclusive education to achieve quality education for all implementing the forum basic education action plan. France; Pacific Workshop on Inclusive Education, 2006.

Wills D, Jackson R. Inclusive education in Western Australia. Interaction. 2001; 14 (2-3): 24-9.

Dizdarevic A. Inclusive education in Bosnia and Herzegovina. China Educ Rev. 2010; 7 (3): 92-100.

Chopra R. Factors influencing elementary school teachers' attitude towards inclusive education. Edinburgh; Proceeding of British Educational Research Association Annual Conference, 2008.

Kuyini A, Ishwar B, Ishwar I. Principals and teachers' attitude and knowledge of inclusive education as predictors of effective teaching practices in Ghana. JORSEN. 2007; 7 (5): 104-13.

یادداشت‌ها

¹ Fiji N. Promoting inclusive education to achieve quality education for all implementing the forum basic education action plan. France; Pacific Workshop on Inclusive Education, 2006.

² Dizdarevic

³ Chopra

⁴ Ishwar